



Analysis of the Reasons for the Failure of the Gilani villagers' Movement in the Political and Social Developments of the Constitutional Era

Abbas Panahi^{*1}, Reza Alizadeh

1- Associate Professor, Department of History, Institute of Gilan Studies, University of Guilan, Rasht, Iran. apanahi@guilan.ac.ir

2- Assistant Professor, Institute of Gilan Studies, University of Guilan, Rasht, Iran. rezaalizadeh@guilan.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
23/02/2025

Accepted:
05/05/2025

The peasant movement in Gilan during the Constitutional Era was rooted in the region's geographical structure, land tenure system, and social awakening in the years leading up to the transformations of the Constitutional Revolution in Iran, especially in Gilan. Gilan's prosperous agriculture and economy drew significant attention from governments during the Safavid and Qajar dynasties. However, instead of improving the livelihood of rural communities, the dominance of landlords over peasants and the government's heavy taxation contributed to their increasing poverty and deprivation. Moreover, Russia's political influence in Gilan and the activities of merchants under Russian protection attracted Russian capitalists to the region. Consequently, Gilan became the only province in Iran that repeatedly witnessed significant peasant movements against landlords and the government. The establishment of parliamentary governance and the declaration of the constitutional system failed to liberate peasants from the oppressive feudal system. Nonetheless, the social awakening of that era led to increased awareness of their rights among peasants. After losing hope in the effectiveness of their protests, peasants initiated numerous movements aimed at improving conditions and abolishing the feudal system along with its related customs. This article seeks to answer the following questions: What were the factors leading to the failure of Gilan's peasant movements during the Constitutional Era? And how did the National Consultative Assembly respond to the demands of Gilan's peasants? The findings of the research indicate that the primary cause of repeated uprisings in Gilan was the harsh living conditions imposed on peasants by landlords.

Keywords: Economy, Gilan, Constitutionalism, Villagers.

Cite this article: Panahi, Abbas; Alizadeh, Reza. (2024) "Analysis of the Reasons for the Failure of the Gilani villagers' Movement in the Political and Social Developments of the Constitutional Era", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 2, No. 3, P: 53-76.

DOI: 10.30479/hvri.2025.21628.1061

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Abbas Panahi

Address: Associate Professor, Department of History, Institute of Gilan Studies, University of Guilan, Rasht, Iran.

E-mail: apanahi@guilan.ac.ir

تحلیل دلایل ناکامی جنبش روستائیان گیلانی در تحولات سیاسی و اجتماعی

عصر مشروطه

عباس پناهی^{۱*}، رضا علیزاده

۱- دانشیار گروه تاریخ، پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. apanahi@guilan.ac.ir

۲- استایار پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران. rezaalizadeh@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	زمینه و بستر جنبش دهقانی در گیلان عصر مشروطه ریشه در ساختار جغرافیایی، نظام زمینداری و بیداری اجتماعی در سال‌های منتهی به تحولات عصر مشروطیت در ایران، به‌ویژه گیلان دارد. کشاورزی و اقتصاد پروتکتوری گیلان موجب توجه ویژه حکومت‌ها به این سرزمین از دوره صفویه تا قاجار شد. این وضعیت، به نظر می‌بایست منجر به بهبود معیشت روستائیان می‌شد، اما تسلط اربابان بر رعایا از یک سو و فشارهای مالیاتی حکومت از سوی دیگر، فقر و محرومیت روزافزون آنان را رقم زد. علاوه بر این، نفوذ سیاسی روسیه در گیلان و فعالیت بازرگانان تحت حمایت روس‌ها، موجب توجه سرمایه‌داران روسی به این منطقه گردید. در نتیجه، گیلان به تنها ایالتی در ایران بدل شد که به تناوب، شاهد شکل‌گیری جنبش‌های بزرگ دهقانی علیه اربابان و حکومت بود. استقرار نظام پارلمانی و اعلام مشروطیت، در عمل نیز نتوانست رعایا را از شرایط مصیبت‌بار نظام ارباب‌رعیتی رهایی بخشد. با این حال، بیداری اجتماعی که در این دوران ایجاد شده بود، موجب آگاهی رعایا نسبت به حقوق خود گردید. آنان، پس از ناامیدی از تحقق اعتراضاتشان، اقدام به شکل‌دادن به جنبش‌های متعددی برای بهبود شرایط موجود و الغای نظام ارباب‌رعیتی و برخی رسوم مرتبط با آن کردند. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که: چه عواملی موجب ناکامی جنبش‌های دهقانی گیلان در عصر مشروطه بوده است؟ و مجلس شورای ملی در برابر خواسته‌های دهقانان گیلانی چه رویکردی داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل خیزش‌های مکرر گیلانیان، تحمیل شرایط سخت زندگی توسط اربابان بر دهقانان بوده است. این پژوهش با استفاده از روش تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است.
دریافت:	
۱۴۰۳/۱۲/۰۵	
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۲/۱۵	
واژگان کلیدی:	اقصاد، گیلان، مشروطیت، روستائیان.

استاد: پناهی، عباس؛ علیزاده، رضا، (۱۴۰۳)، «تحلیل دلایل ناکامی جنبش روستائیان گیلانی در تحولات سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال دوم، شماره سوم، ص: ۷۶-۵۳.

مقدمه

گیلان در عصر قاجار، همانند دیگر مناطق ایران، جامعه‌ای عمدتاً روستایی بود؛ اما تفاوت برجسته‌ای که گیلان را از سایر نقاط ایران متمایز می‌کرد، ارتباط گسترده مناطق ساحلی و شهرهای آن با بنادر باختری و شمالی روسیه و تجارت پررونق این منطقه بود. علاوه بر تجارت، اقتصاد کشاورزی گیلان نیز به‌ویژه از اواخر عصر قاجار رونق گرفت؛ دلیل اصلی این رونق، افزایش تقاضای بازارهای روسیه و اروپا برای محصولات کشاورزی این منطقه بود. بااین‌حال، سود هنگفت حاصل از این تجارت عمدتاً در اختیار اربابان، تجار بزرگ داخلی، و بازرگانان وابسته به دولت روسیه قرار می‌گرفت.

ساختار سیاسی گیلان نیز همچون سایر مناطق ایران، بر پایه نظام ارباب و رعیتی بنا شده بود. در این نظام سنتی، اربابان کنترل کامل بر جنبه‌های مختلف زندگی رعایا داشتند و روستائیان از حقوق اجتماعی و مادی برخوردار نبودند. این ساختار اجتماعی طی سده‌های متمادی در گیلان تثبیت شده و نتیجه آن، وخامت اوضاع معیشتی و اجتماعی برای مردم بود. افزون بر تسلط اربابان، حکومت قاجار نیز نگاه ویژه‌ای به گیلان به‌عنوان منبعی اقتصادی و انسانی داشت. از این‌رو، حاکمان گیلان موظف به پرداخت مالیات‌های سنگین به دربار قاجار بودند. این مالیات‌ها فشار زیادی بر مردم محلی وارد می‌کرد و عملاً دست‌نشانندگان حکومت قاجار در گیلان، شاهزادگان و رجال نزدیک به دربار بودند که پس از استقرار در این منطقه، با همکاری خوانین محلی به استثمار و غارت رعایای گیلانی می‌پرداختند. این وضعیت به تدریج نارضایتی‌های اجتماعی را در گیلان گسترش داد.

عامل دیگر مشکلات گیلان در عصر قاجار، تسلط بی‌چون‌وچرای روسیه بود. پس از انعقاد عهدنامه ترکمانچای، گیلان عملاً به‌عنوان ایالتی تحت نفوذ روسیه تلقی می‌شد. در نیمه دوم سده سیزدهم هجری قمری، سیل بازرگانان روس به این منطقه سرازیر شد و محصولات کشاورزی رعایای گیلانی به‌طور عمده توسط آنان خریداری می‌گردید. در این میان، رعایا تنها وظیفه تولید را بر عهده داشتند، در حالی که تجارت محصولات و سود حاصل از آن به اربابان و زمین‌داران بزرگ تعلق داشت.

مجموعه این عوامل، نقش مؤثری در مشارکت رعایای گیلانی در جنبش مشروطه‌خواهی و شورش علیه اربابان و زمین‌داران در عصر مشروطه داشت. با وجود این مشارکت گسترده،

روستائیان از مزایای انقلاب مشروطه بی بهره ماندند. پس از استقرار مجلس شورای ملی و حکومت قانون، دولت‌ها و نمایندگان پارلمان که عمدتاً از طبقه اربابان برگزیده می‌شدند، از ایجاد تغییرات اساسی در نظام زمین‌داری جلوگیری کردند. حتی برخی از وکلای مجلس، از مالکان در برابر زارعان دفاع می‌کردند و در مواردی، پارلمان دستور سرکوب شورش‌های رعایای گیلانی را صادر می‌کرد. به عبارت دیگر، انقلاب مشروطه نه تنها قادر به تضعیف نظام ارباب و رعیتی نبود، بلکه هیچ تغییر اساسی در مناسبات میان اربابان و روستائیان ایجاد نکرد. در نتیجه، روستائیان گیلانی، با حضور در هر حرکت سیاسی و اجتماعی، به دنبال تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی خود بودند؛ نمونه بارز این تلاش، حضور پررنگ آن‌ها در جنبش جنگل بود که نشان‌دهنده نارضایتی‌شان از شرایط موجود محسوب می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

مشروطه گیلان، به دلیل اهمیتی که در تاریخ ایران معاصر دارد، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های تاریخی، سیاسی و حقوقی بوده است. در نتیجه، مقالات و نوشتارهای متعددی در نشریات مختلف درباره مشروطیت در گیلان به چاپ رسیده است. از منظر قشر بندی اجتماعی و گروه‌های مشارکت‌کننده در این جنبش نیز، روستائیان، ماهیگیران، اصناف و بازاریان، نقش برجسته‌تری ایفا کرده‌اند. از این رو، پژوهش‌های متعددی با رویکردهای مختلف درباره نقش این گروه‌ها در جنبش مشروطه‌خواهی گیلان در دسترس است. در پژوهش حاضر، تلاش شده است از یک سو، رویکردهای مقالات پیشین بررسی شود و از سوی دیگر، نوآوری و زاویه دید پژوهش کنونی برای خوانندگان تبیین شود.

در ارتباط با موضوع مورد بحث، کتاب‌ها و مقالاتی وجود دارد که هر یک از آن‌ها به یکی از ابعاد این مسئله پرداخته‌اند. سهراب یزدانی، در پژوهش خود تحت عنوان «روستائیان و مشروطیت ایران»، به جایگاه و مواضع روستائیان ایران در عصر مشروطه پرداخته است. وی در این پژوهش، ابتدا با تحلیل انقلاب‌های دهقانی در کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه و مکزیک و بررسی تشابهات و اشتراکات آن‌ها، تأثیر کشاورزان و روستائیان را در جنبش مشروطه ایران بازنمایی می‌کند. یزدانی بر این باور است که روستائیان ایران، از نظر فکری چندان رویکرد ایدئولوژیکی به انقلاب مشروطه نداشته‌اند. شیوه معیشت آنان، که بیشتر بر کشاورزی استوار بوده، آن‌ها را

به‌طور طبیعی به زمین و مسائل مرتبط با آن وابسته کرده است. از نظر او، دغدغه اصلی دهقانان مالکیت زمین، رابطه با ارباب، میزان سهم‌برداری از محصول کشاورزی، اجاره زمین، مالیات‌ها، سربازگیری نقشه‌مند و رفتار اربابان و گماشتگان آن‌ها بوده است.

ابراهیم فخرایی، در کتاب *گیلان در جنبش مشروطه*، به نقش روستائیان گیلان در جنبش مشروطه، به‌ویژه شورش‌های آنان علیه اربابان، اشاره‌های ارزشمندی دارد. روایت او از شورش روستائیان، گزارشی دست اول از مبارزات دهقانی در گیلان است.

هومن یوسفدهی نیز در کتاب *گیلان در انقلاب مشروطه*، با استناد به اسناد و گزارش‌های موجود، به شورش‌های دهقانی گیلان و تأثیر آن‌ها بر فراز و فرودهای مشروطه در این استان پرداخته و اطلاعات ارزشمندی در این زمینه ارائه کرده است.

پورمحمدی املشی، در مقاله «نگرشی جامعه‌شناختی به جنبش‌های روستایی گیلان در عصر مشروطه»، که در فصلنامه تاریخ منتشر شده است، به رویکرد ظلم‌ستیزی رعایای گیلان در برابر حاکمان داخلی و خارجی اشاره کرده و خاستگاه اجتماعی این جنبش‌ها را مورد بررسی قرار داده است. وی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در جنبش روستائیان گیلان را محیط جغرافیایی، روان‌شناختی اجتماعی، زمینه‌های تاریخی و نقش گروه‌های مذهبی می‌داند.

رحمانی و خالقی دامغانی، در مقاله «معیشت دهقانی در گیلان از ۱۲۵۰ تا ۱۲۸۵ شمسی»، که در فصلنامه تاریخ ایران منتشر شده، به بررسی سطح معیشتی و درآمدی رعایای گیلان از دوره ناصری تا پیش از وقوع مشروطیت پرداخته‌اند. اما این مقاله به چرایی مشارکت دهقانان در جنبش مشروطه نپرداخته و صرفاً از نظر اقتصادی و بر پایه داده‌های آماری، شاخص‌های اقتصادی گیلان و سطح معیشت روستائیان را تجزیه و تحلیل کرده است.

رفاهی و همکاران، در مقاله «نقش آرامنه در جنبش روستائیان در گیلان عصر قاجاری با تأکید بر اندیشه‌های مشروطه‌خواهی»، که در فصلنامه تاریخ منتشر شده است، بر این باورند که روستائیان گیلانی نقش مؤثری در فراز و فرودهای مشروطه در گیلان ایفا کردند. به گفته آن‌ها، عدم پرداخت بهره مالکانه توسط رعایا، درگیری با مالکان و بیرون راندن آنان از روستاها و تشکیل انجمن‌های روستایی، از اقدامات تاریخی دهقانان گیلانی در این دوره به شمار می‌رود.

اسماعیل‌زاده و علی صوفی، در مقاله «جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه»، که در فصلنامه تاریخ محلی به چاپ رسیده است، بر ماهیت ضداربایی اقدامات روستائیان گیلان تأکید دارند. به

باور آن‌ها، روستائیان در جریان جنبش مشروطه، اقدامات متنوعی برای رویارویی با اربابان و زمین‌داران انجام دادند و در این مسیر، از حمایت گروه‌ها و احزاب سیاسی نظیر اجتماع‌یون عامیون، انجمن عباسی و سوسیال‌دموکرات‌های گیلان بهره بردند.

شورمییج، در مقاله «نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان (بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ ه.ق)»، که در فصلنامه *تاریخ ایران و اسلام* منتشر شده است، به بررسی نقش عوامل اقتصادی در جنبش مشروطیت گیلان پرداخته است. وی معتقد است که این جنبش، بیش از اینکه تحت تأثیر عوامل بیرونی باشد، از عوامل درونی تأثیر گرفته است. به باور او، برقراری عدالت، بهبود اوضاع معیشتی و اقتصادی، رفع ظلم حاکمان دولتی و مالکان محلی و جلوگیری از تجاوزات روس‌ها، از مهم‌ترین خواسته‌های مردم گیلان در آستانه جنبش مشروطیت بوده که همگی ریشه اقتصادی داشته‌اند.

علیپور در مقاله «مطالعه تطبیقی جنبش دهقانی آذربایجان و گیلان در دوره مشروطیت»، که در فصلنامه کارنامه تاریخ منتشر شده است، به نقش عوامل اقتصادی و بهره‌کشی اربابان از رعایا اشاره کرده و تأثیر این مسائل را بر مشارکت روستائیان گیلانی در انقلاب مشروطه بررسی کرده است. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره روستائیان گیلان در دوره قاجار و عصر مشروطه، و نیز مطالعات تطبیقی درباره رفتار رعایای گیلان با سایر مناطق ایران، هنوز ناگفته‌های بسیاری درباره دلایل ناکامی روستائیان گیلان در جنبش مشروطه‌خواهی وجود دارد که نیازمند توجه بیشتری است.

۲. نقش جغرافیایی گیلان در رشد افکار مردم گیلان

جغرافیای گیلان از دوره صفویه، پس از سقوط حکومت‌های محلی، با ساختار اصلی دولت مرکزی ایران پیوند یافت. از این دوره، گیلان علاوه بر نقش اقتصادی خود در تولید ابریشم، به دلیل همجواری با روسیه، اهمیت بیشتری در سیاست و اقتصاد ایران پیدا کرد (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳). با توجه به جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار، روس‌ها پس از شکست ایران، خود را به نزدیکی گیلان رسانده و جایگاه این منطقه را به‌عنوان دروازه ارتباطی ایران با روسیه و اروپا تثبیت کردند. از این زمان، گیلان نقش دوگانه‌ای برای جامعه ایرانی یافت: نخست به‌عنوان دروازه ورود کالاهای صنعتی اروپایی به ایران و سپس به‌عنوان محلی برای نفوذ اندیشه‌های جدید که

ابتدا از مسیر قفقاز وارد گیلان و سپس به سایر مناطق کشور منتقل می‌شد. البته مناطق آذربایجان نیز از نظر جغرافیایی کارکرد مشابهی داشتند، به‌ویژه شهرهای تبریز و ارومیه که به‌عنوان دیگر دروازه‌های ورود کالا و اندیشه‌های نوین در ایران شناخته می‌شدند (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۰-۵۱).

اهمیت گیلان در این دوره، نه تنها به دلیل همسایگی با روسیه، بلکه به دلیل برخورداری از بنادری بود که نقشی مؤثر در توسعه این ایالت و مبادلات تجاری و فکری با اروپا داشت. از سوی دیگر، این بنادر زمینه‌ای برای تحول در ساختار کشاورزی و تغییر شیوه‌های معیشتی و دهقانی روستائیان گیلان فراهم آورد. توسعه اقتصادی گیلان، به واسطه سیر صعودی صادرات محصولات کشاورزی، موجب تمرکز روستائیان بر تولید محصولاتی شد که مورد نیاز بازارهای روسیه و اروپا بود. در این میان، دو محصول اصلی یعنی برنج و ابریشم، در سطح وسیعی از سوی کشاورزان گیلانی مورد توجه قرار گرفتند (معتضد، ۱۳۶۲: ۴۸۷). با وجود تولید فراوان این محصولات و رونق تجارت آن، شرایط زندگی رعایای گیلان در اواخر عصر قاجار تفاوت محسوسی با دوره‌های پیشین پیدا نکرد و حتی بر مشکلات آن‌ها افزوده شد. این وضعیت در عرایض و شکوائیه‌های رعایا به مجلس شورای ملی منعکس گردید (پناهی، ۱۳۹۸: ۲۳). شرایط نامطلوب زندگی موجب شد که بسیاری از روستائیان گیلانی برای رهایی از وضعیت ارباب و رعیتی، از موقعیت جغرافیایی این ایالت بهره جسته و به مناطق نفت‌خیز و پررونق قفقاز مهاجرت کنند. این مهاجرت، علاوه بر کار اقتصادی، موجب آشنایی آن‌ها با افکار آزادی‌خواهی و اندیشه‌های نوین شد و این افکار، به تدریج از طریق مسافران و نوگرایان به جامعه گیلان وارد گردید. بدین ترتیب، همزمان با جنبش مشروطه‌خواهی در گیلان، مردم این منطقه، با مفاهیم مدرنیته و نوگرایی آشنا شده و با توجه به سابقه تاریخی گیلانیان در ایجاد جنبش‌های اجتماعی، بخشی از آنان مشارکتی فعال در انقلاب مشروطه داشتند.

با وجود آن‌که انقلاب مشروطه از نظر سیاسی و اجتماعی نتوانست تمام آرمان‌ها و اهداف خود را در جامعه ایران تحقق بخشد، اما تأثیر عمیقی بر اندیشه‌ها و باورهای مردم برجای گذاشت. به گونه‌ای که رعایای گیلانی در عرایض و مکتوبات خود به مجلس همواره به این جملات استناد می‌کردند: «مگر ما در عصر استبداد به سر می‌بریم؟ ما مشروطه کردیم که حق‌مان را بستانیم.» و یا «در حکومت مشروطه عدالت می‌خواهیم» (همان: ۲۵). این افکار و اندیشه‌ها تنها نشانه تأثیرگذاری انقلاب مشروطه بر گیلانیان نبود، بلکه عدالت‌طلبی و قانون‌خواهی در اغلب مناطق ایران نیز ریشه

دوانده بود. اما بدون شک دو محصول مهم انقلاب مشروطه، یعنی انجمن‌ها و آزادی بیان در عرصه روزنامه‌نگاری، نقش مهمی در گسترش افکار آزادی‌خواهی در ایران و به‌ویژه در گیلان ایفا کرد. با این حال، آزادی‌خواهی در گیلان ریشه‌دارتر از سایر مناطق ایران بود؛ زیرا این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و نقش دروازه‌ای‌اش به اروپا از طریق روسیه، جایگاه ویژه‌ای در تبادل کالا و اندیشه داشت. از این رو، مناطق شهری و روستایی رشت و بندر انزلی به مراکز اصلی اندیشه‌های تجددخواهی تبدیل شدند.

با دلایل ذکرشده، دروازه گیلان بر اندیشه‌های نو گشوده شده بود. رشت، به‌عنوان مرکز مبادله بازرگانی گیلان با روسیه و از این مسیر با اروپا، نقش مهمی در انتقال کالاها و افکار نوین به ایران ایفا کرد. بازرگانانی با ملیت‌های روسی، انگلیسی، یونانی، عثمانی، ایتالیایی و فرانسوی به شهر رشت رفت‌وآمد داشته یا در آن سکونت داشتند. چند مدرسه اروپایی و تعداد قابل‌توجهی مکتب‌خانه نیز در شهرهای رشت و انزلی مشغول فعالیت بودند. قشر متوسط و تحصیل‌کرده، سهم قابل‌توجهی از جامعه شهری گیلان را تشکیل می‌داد. به همین دلیل، مأمورانی مانند نیکیتین، رشت را در جغرافیای ایران از نظر رشد افکار آزادی‌خواهی و نفوذ تمدن جدید، منطقه‌ای ممتاز دانسته‌اند (نیکیتین، ۱۳۹۵: ۲۴).

جنبش مشروطه در گیلان دارای پایه‌های مردمی بود و توانست قشرهای فرودست جامعه، از جمله دهقانان، را به میدان مبارزه اجتماعی بکشاند. اگرچه رعایای گیلان در اعتراضات خود از پشتوانه فکری و سیاسی قوی برخوردار نبودند، اما درخواست‌های آن‌ها مورد حمایت رهبران رادیکال مشروطه‌خواه و انجمن‌های محلی قرار گرفت. از سوی دیگر، روزنامه‌های تندرو گیلانی مانند نسیم شمال و خیرالکلام، مطالبات دهقانان را بازتاب دادند. سوسیال‌دموکرات‌های گیلانی نیز کشاورزان را به پرداخت نکردن مالیات تشویق کردند. افصح‌المتکلمین، در روزنامه خیرالکلام، خواستار الغای نظام ارباب و رعیتی شد. همچنین یکی از آزادی‌خواهان گیلانی به نام سید جلال شهرآشوب نقش مهمی در تحریک رعایا برای مقابله با اربابان ایفا کرد (یوسف‌دهی، ۱۳۸۷: ۲۲).

اشرف گیلانی نیز در روزنامه نسیم شمال، مقالات پرشوری در دفاع از مشروطیت و اصول آن نگارش کرد. وی در شماره ۶۳ این روزنامه و در مقاله‌ای تحت عنوان «مشروطه چیست و استبداد چه معنی دارد»، تلاش داشت مفاهیم مشروطه و استبداد را به بیانی ساده برای مردم توضیح دهد و آن‌ها را در جامعه نهادینه کند (نسیم شمال، شماره ۶۳، ۱۳۲۸ ه.ق).

حرکت‌های دهقانی به تدریج سراسر منطقه گیلان را فرا گرفت. روستاییان اجاره زمین و مالیات خود را نمی‌پرداختند، مانع ورود مباشران، زمین‌داران و مأموران دولتی به روستاها می‌شدند و در پاره‌ای موارد اقدام به غارت اموال اربابان، ضرب و شتم آن‌ها و حتی آتش‌زدن خانه‌هایشان کردند (یزدانی، ۱۴۰۰: ۴۰). افزایش مالیات‌های سنگین بر زمین‌های خالصه، خشم زارعان را از حکومت و اربابان تشدید کرد. حکومت‌های محلی گیلان برای افزایش درآمد، زمین‌های خالصه را تقسیم کرده و مالیات را به میزان ۲۰ درصد افزایش دادند. این اقدامات فشار بیشتری بر زارعان وارد ساخت (کتاب نارنجی، ۱۳۶۷/۴: ۶۱). این برخوردهای خشونت‌آمیز رعایا با اربابان، بیش از آن‌که تحت تأثیر مفاهیم مدرنیته یا انقلابی باشد، ریشه در جغرافیای سیاسی و اقتصادی گیلان داشت. اگرچه بهره‌های مالکانه طاقت‌فرسا و تسلط اربابان بر رعایا در تمامی ایالات ایران مشهود بود، اما در گیلان، علاوه بر اربابان ایرانی، روس‌ها نیز با رعایای گیلانی در زمینه‌هایی مانند شیلات، تجارت ابریشم، برنج، توتون و سایر محصولات رفتاری مشابه اربابان ایرانی داشتند. این فشارهای مضاعف اقتصادی، عقده‌های فروخته رعایا را بیدار کرده و محرکی برای اقدامات شورشی آن‌ها شد. با وجود این فشارها، سیاست‌مداران گیلان در دوران مشروطه، مانند دوره‌های تاریخی پیشین، رویکردی توأم با مدارا نسبت به روس‌ها داشتند. با این حال، انجمن ولایتی گیلان بارها از سیاست‌های روس‌ها در این منطقه انتقاد کرده و این مسائل را به مجلس و دولت مرکزی منعکس نمودند (نسیم شمال، شماره ۴۷، ۱۳۲۶ هـ.ق). روستاییان گیلان با نپرداختن بهره مالکانه، تلاش کردند نارضایتی خود از نظام ارباب و رعیتی را اعلام کنند. این اعتراضات در ابتدا توسط نوغانداران آغاز شد. بنا به گزارش کتاب آبی، اهالی گیلان با جلوگیری از پرداخت اجاره املاک، به مخالفت با صاحبان زمین‌ها برخاستند. در این کتاب آمده است: «اهالی گیلان اجاره و مال‌الاجاره زمین‌ها را مستمسک قرار داده و هیجانی دارند. احتمال می‌رود بدین مستمسک شورشی برپا نمایند. اهالی دهات مایل به پرداخت اجاره به صاحبان املاک نیستند.» (کتاب آبی، ۱۳۶۳/۱: ۳۷).

۳. نظام زمینداری در گیلان

در آستانه انقلاب مشروطه، ایران جامعه‌ای عمدتاً کشاورزی و ایلداری بود که فعالیت‌های اقتصادی بر محور کشاورزی و زمینداری استوار شده بود. زمین‌داران بزرگ، که مالک بخش‌های وسیعی از اراضی حاصلخیز کشور بودند، نه تنها از قدرت اقتصادی برخوردار بودند، بلکه پشتوانه‌ای برای

نفوذ سیاسی به شمار می‌آمدند. زمین در این دوره، نماد و ابزار قدرت سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شد؛ همین امر به بروز کشمکش‌های سیاسی و نظامی میان حکمرانان محلی برای تصاحب اراضی بزرگ و استفاده از نیروی انسانی روی زمین منجر شد.

در گیلان نیز، همانند بسیاری از دیگر مناطق ایران، مناقشات ارضی از موضوعات اصلی سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آمد. این کشمکش‌ها به‌ویژه در آستانه انقلاب مشروطه، اهمیت بیشتری یافت و موجب افول اقتصاد کشاورزی سنتی شد. دهقانان گیلانی - که تولیدکنندگان اصلی ثروت این سرزمین بودند - با فقر و تنگ‌دستی مواجه شده و روزگار را در شرایطی سخت سپری می‌کردند. عدم مدیریت صحیح از سوی زمینداران و مباحثان، به همراه بهره‌کشی فراوان از نیروی کار دهقانان، موجب تضعیف پایه‌های اقتصادی کشاورزی گیلان شد و زمینه‌ای جدید برای شکاف اجتماعی و اقتصادی میان اربابان و رعایا فراهم آورد.

توانایی‌های طبیعی و اقتصادی زمین‌های حاصلخیز گیلان، همواره شاهان و رجال دربار قاجار را ترغیب می‌کرد تا در راستای تصاحب این اراضی تلاش کنند. رقابت میان اربابان بومی و رجال درباری قاجار، به مناقشات جدیدی دامن زد که اغلب به نفع درباریان خاتمه می‌یافت. برخورداری درباریان از پشتوانه سیاسی و نفوذ در حکومت قاجار، موجب شد املاک وسیع گیلان به‌عنوان املاک سلطنتی به رجال درباری واگذار شود؛ نظیر خاندان‌های امین‌الدوله و سایر خاندان‌های صاحب‌نفوذ. رجال درباری، به دلیل فاصله جغرافیایی و عدم دسترسی مستقیم به زمین‌های گیلان، مدیریت این اراضی را به مباحثان بومی واگذار کردند. همین امر منجر به شکل‌گیری طبقه‌ای از زمین‌داران بزرگ وابسته به حکومت در گیلان شد. این طبقه، که از حمایت سیاسی و اقتصادی حکومت قاجار برخوردار بودند، با استفاده از نیروی کار دهقانان، قدرت خود را گسترش دادند. این زمین‌داران بزرگ که علاوه بر قدرت اقتصادی، از نفوذ سیاسی نیز بهره‌مند بودند، در جریان انقلاب مشروطه با همراهی عمال حکومتی، در جهت سرکوب مشروطه‌خواهان اقدام کردند. در دوران انقلاب مشروطه، نوعی اتحاد نانوشته میان طبقه زمین‌دار بزرگ گیلانی و عمال حکومتی قاجار علیه مشروطه‌خواهان شکل گرفت. این اتحاد، علاوه بر جلوگیری از شکل‌گیری تغییرات سیاسی در گیلان، نقش مهمی در سرکوب قیام‌های مردمی و محدود کردن خواسته‌های آزادی‌خواهانه مردم ایفا کرد. زمین‌داران بزرگ گیلانی، به‌واسطه قدرت اقتصادی خود، نه تنها از

ثروت بهره‌مند بودند، بلکه نیروی قابل‌توجهی برای حمایت از حکومت قاجار و مقابله با جنبش‌های اجتماعی ایجاد کردند (مهرانی، ۱۳۷۴: ۴۶).

۴. نظام زمینداری و تأثیر آن بر جنبش روستائیان گیلانی در عصر مشروطه

انقلاب مشروطیت ایران توانست به واسطه مشارکت گروه‌های مختلف، نقش مهمی در بسیج توده‌ها ایفا کند. به دنبال پیروزی این انقلاب، روستائیان امید داشتند که نظام جدید بتواند منافع آن‌ها را تأمین کند و از قدرت اربابان در روستاها بکاهد. این توقع به نوعی بر پایه تصویری خیالی بنا شده بود؛ چرا که مجلس و دولت، عملاً در اختیار اشراف و اعیان زمین‌داران بزرگ قرار داشت، و این گروه‌ها حاضر به کاهش نفوذ خود به نفع رعایا و عامه مردم نبودند.

روستائیان گیلانی که شامل قشرهای تولیدکننده ثروت ملی بودند، مهم‌ترین انگیزه خود برای پیوستن به جنبش مشروطه را در کاهش مالیات، محدود شدن نفوذ اربابان، و از بین رفتن بهره مالکانه و ستم‌های نظام ارباب و رعیتی می‌دیدند (یزدانی، ۱۴۰۱: ۱۰۵). اما پس از استقرار پارلمان و فروپاشی استبداد، این طبقه متوجه شدند که سیاست عمومی کشور همچنان بر حمایت از وضع موجود استوار است و تغییر چشم‌گیری در نظام ارباب و رعیتی ایجاد نخواهد شد. در نتیجه، ناکامی در تحقق این خواسته‌ها منجر به نارضایتی عمیق روستائیان شد و در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، یعنی یک سال پس از انقلاب مشروطه، شورش‌های بزرگی علیه اربابان در گیلان، فارس و مازندران آغاز شد (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۰۱).

یکی از دلایل گسترش جنبش‌های روستایی در این دوره، لغو قانون «عمل تسعیر و تفاوت عمل» توسط مجلس بود که رأی به بازگشت نظام تیول داد (یزدانی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). این قانون نه تنها زمینه لغو زمینداری بزرگ را فراهم نکرد، بلکه فشار بر رعایا همچنان ادامه یافت. در حالی که روستائیان انتظار داشتند مجلس شورای ملی به روابط ظالمانه میان اربابان و رعایا پایان دهد، مصوبات مجلس نشان داد که هیچ تغییر جدی در شرایط اقتصادی و اجتماعی آن‌ها رخ نخواهد داد (آفاری، همان: ۲۱۵-۲۱۷).

دولت، مجلس و دربار قاجار پس از استقرار مشروطه همچنان از نظام زمینداری و نظام ارباب و رعیتی حمایت می‌کردند و سیاست‌های این نهادها همواره در راستای حفظ امتیازات مالکان بزرگ بود. بسیاری از شخصیت‌های بانفوذ قاجاری، نظیر امین‌الدوله و همچنین سپهدار تنکابنی

که در دوره مشروطه حاکم گیلان بود، از زمین‌داران بزرگ به شمار می‌رفتند. این زمین‌داران، همچنان انگیزه فردی و اجتماعی برای حمایت از نظام ارباب و رعیتی داشتند (یزدانی، همان: ۱۱۲).

ادامه جنبش‌های روستایی، به‌ویژه در مناطق تالش، موجب شد که برای سرکوب اعتراضات رعایا، از نیروهای ایلاتی نظیر شاهسون‌ها استفاده شود. به تحریک ارفع‌السلطنه، این نیروها به روستاهای تالش حمله کرده و رعایای گیلانی را سرکوب کردند (رایینو، ۱۳۶۸: ۷۳). سیاست کلی مجلس شورای ملی، نیز حفظ نظام زمینداری و ارزش‌های آن بود (کرمانی، ۱۳۸۴: ۵۲۶). مجلس شورای ملی در برابر سرپیچی روستائیان از نظام بهره مالکانه، نه تنها حمایتی نکرد، بلکه آن‌ها را ملزم به پرداخت بهره مالکانه دانست.

در دستوری از سوی پارلمان به انجمن ولایتی گیلان تأکید شد که اصول مشروطیت را به رعایا تفهیم کند و برای دفع اغتشاشات در روستاها اقدام فوری انجام دهد. به علاوه، مجلس برای فشار بیشتر بر روستائیان، قانونی تصویب کرد که به موجب آن انجمن‌های محلی در روستاها غیرقانونی اعلام شدند و تشکیل چنین انجمن‌هایی ممنوع شد (رایینو، ۱۳۶۸: ۲۹).

در پی تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی گیلان، این نهاد تلاش کرد روابط میان مالکان و رعایا را ترمیم کند. طی اعلامیه‌ای، انجمن از رعایا خواست تا مال‌الاجاره خود را به مالکان بپردازند و حتی مأمورانی به روستاها اعزام کرد تا رعایا به پرداخت بهره مالکانه وادار شوند (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۱۹-۲۱۸). این سیاست‌ها، که عمدتاً توسط افرادی با پایگاه اجتماعی اربابی اجرا می‌شد، با آرمان‌های انقلاب مشروطه و خواسته‌های مردم فرودست در تضاد بود. انتصاب چهره‌هایی نظیر محمودولی‌خان سپهدار تنکابنی به حکمرانی گیلان، نمادی از این تضاد به شمار می‌رفت. انتشار خبر انتصاب تنکابنی به حکومت گیلان با واکنش شدید مردم همراه شد. گروهی از آزادی‌خواهان و مردم معترض با تحصن در تلگراف‌خانه رشت، تلگراف‌هایی به شاه، مجلس و دولت ارسال کردند تا مخالفت خود با این انتصاب را اعلام کنند (پرتو، ۱۳۹۴: ۶۸).

در دوران انقلاب مشروطه، شرایط اجتماعی و اقتصادی رعایا در مناطق تالش‌نشین بسیار بحرانی بود. فشارهای ناشی از نظام ارباب و رعیتی، بهره‌کشی شدید مالکان، و نبود حمایت از سوی مجلس سبب شد تا موج اعتراضات و شورش‌های روستایی در تالش به وقوع بپیوندد. در واکنش به این شورش‌ها، ارفع‌السلطنه، حاکم تالش، از خود خشونت و شدت عمل فراوان نشان

داد. او نه تنها اموال رعایا را مصادره کرد، بلکه بسیاری را زندانی نمود و آن‌ها را به همراهی با مشروطه‌خواهان متهم ساخت (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۱۳). این رفتارهای سرکوبگرانه باعث شد رعایا دست به اقدامات تلافی‌جویانه بزنند، به املاک او یورش برده و حتی حاکم را مجبور به فرار از تالش کنند (همان: ۲۱۴). پس از فراری دادن ارفع‌السلطنه، جمعیتی دویست نفره از اهالی اسالم و کرگان‌رود به بازار شهر حمله کرده و با هدف کشتن ارفع‌السلطنه، قراقخانه را خلع سلاح کردند (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۲۱). این اقدام، تأثیر زیادی بر سایر مناطق گیلان گذاشت و موجب افزایش جرات و جسارت روستاییان در مقابله با اربابان شد.

اخبار شورش‌های روستاییان تالش، اسالم و کرگان‌رود به سایر نقاط گیلان رسید و زنجیره‌ای از اعتراضات را در مناطق مختلف ایجاد کرد. این شورش‌ها شامل اقدامات روستاییان لشت‌نشا علیه املاک متعلق به امین‌الدوله بود که با غارت محصولات و بست‌نشینی در انجمن شهر رشت همراه شد. زارعان فومن نیز به اعتراضات پیوستند و مالک بزرگی مانند حاجی سید رضی از ترس کشته‌شدن به تهران فرار کرد (رابینو، همان: ۳۱). این اعتراضات که تقریباً سراسر گیلان را فراگرفت، نشان‌دهنده عمق نارضایتی عمومی بود. در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، روستاییان گیلانی کنترل روستاها را در دست گرفتند و مالکان، مباشرین و مأموران دولتی جرأت ورود به زمین‌های کشاورزی را نداشتند (شریف کاشانی، ۱۳۶۲/۳: ۶۵۹).

با تأسیس انجمن‌های محلی در روستاها، رعایا تلاش کردند شرایط را کنترل کرده و قیام‌های خود را سازمان‌دهی کنند (رابینو، ۱۳۶۸: ۱۱). با این حال، دولت قاجار به جای مقابله منطقی با اعتراضات، برای سرکوب شورش‌ها، امیر اعظم را به حکومت گیلان منصوب کرد. او با سرکوب شدید روستاییان، تلاش کرد جنبش دهقانی را مهار کند. در همین زمان، برخی رعایا به حمایت از مشروطه‌خواهان در رشت پرداختند و به تفنگ و علم مجهز شدند (رابینو، همان: ۲۶).

شورش‌های روستاییان در گیلان در سال ۱۲۸۷ خورشیدی نیز ادامه یافت. در مناطقی مانند کسما، صدیق‌الرعا، یکی از مالکان ثروتمند، به دست زارعان کشته شد. در فومن، مالکان به دلیل ترس از اعتراضات وسیع، به زمین‌های خود وارد نمی‌شدند. نوغانداران لنگرود نیز از پرداخت سهم مالکان خودداری کردند و در لشت‌نشا، شرایط همچنان بحرانی بود، به گونه‌ای که مردم از پذیرش امین‌الدوله در این منطقه امتناع کردند (یزدانی، ۱۴۰۰: ۴۱).

با گسترش شورش‌ها، دولت دریافت که سرکوب بیشتر روستائیان نتیجه‌ای جز بحرانی‌تر شدن اوضاع ندارد. در نتیجه، امیر اعظم برکنار شد و ظهیرالدوله، شخصیتی معقول و مورد احترام، به حکومت گیلان منصوب گردید. ظهیرالدوله در خاطراتش اشاره کرده که مردم گیلان از تمام نقاط ایران جسورتر و موضع آن‌ها حساس‌تر است (ظهیرالدوله، ۱۳۶۷: ۳۳۷-۳۳۵). او بارها به محمدعلی شاه هشدار داد که رفتار مناسبی با گیلانیان داشته باشد، چرا که در صورت طغیان، مهار این منطقه بسیار دشوار خواهد بود.

انجمن ایالتی گیلان که مأمور مهار جنبش‌های دهقانی شده بود، به دلیل ناکارآمدی نتوانست اقدامات مؤثری انجام دهد. گرچه تلاش‌هایی برای کنترل اوضاع از جمله لغو بخشودگی مال‌الاجاره جنسی رعایا و بازگرداندن رسوم اقامت اجباری روی زمین‌های اربابان انجام شد، اما این سیاست‌ها موجب کاهش اعتراضات نشد و نارضایتی‌ها همچنان ادامه یافت (حبل‌المتین، ۱۲۸۴: ۴). در دوران انقلاب مشروطه، ساختار نظام ارباب و رعیتی و فشارهای اقتصادی-اجتماعی بر زارعان و رعایا، باعث گسترش اعتراض‌ها و شورش‌های متعدد در گیلان شد. این اعتراض‌ها نه تنها به ستیز با اربابان زمین محدود بود، بلکه ماهیگیران و کارگران صنایع وابسته به کمپانی لیانازوف نیز به جمع معترضان پیوستند و نقش عمده‌ای در تقویت جنبش‌های مردمی ایفا کردند. تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مجلس شورای ملی در عین محدود کردن اختیارات انجمن‌ها، رعایا را مکلف به پرداخت مال‌الاجاره و بهره مالکانه به مالکان نمود. از سوی دیگر، مجلس با تأکید بر پرداخت بدهی‌های زراعی به اربابان به صورت جنسی، آشکارا از منافع اربابان و مالکان حمایت کرد (رابینو، ۱۳۶۸: ۳۱). این اقدامات موجب شد رعایا به این باور برسند که نه تنها حکومت مشروطه برنامه‌ای برای اصلاح یا کاهش نابرابری‌ها ندارد، بلکه با تصویب قوانین و صدور اعلامیه‌های رسمی، در راستای تقویت منافع مالکان و اربابان گام برمی‌دارد.

با افزایش فشارهای اقتصادی و بی‌نتیجه بودن قوانین مجلس، شخصیت‌هایی انقلابی نظیر میرزا رحیم شیشه‌بُر در گیلان به صحنه آمدند. شیشه‌بُر با صدور اعلامیه‌هایی در روستاها، رعایا را به مبارزه با مالکان فراخواند. وی از زارعان خواست تا از پرداخت مال‌الاجاره به مالکان اجتناب کنند و نوغانداران را ترغیب کرد که از تحویل محصولات خود (پيله ابریشم) در ازای بدهکاری به اربابان خودداری نمایند. این فراخوان‌ها موجب گسترش جنبش دهقانی و شکل‌گیری موج جدیدی از اعتراضات شد. دستگیری میرزا رحیم توسط حکومت باعث موجی از شورش‌های

متقابل در مناطق مختلف گیلان از جمله رشت، تولم، کرگانرود و انزلی گردید (یزدانی، ۱۴۰۰: ۴۳).

شورش‌های دهقانی در گیلان ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد:

۱. در رشت: مردم مانع ورود کاروان حامل پیله ابریشم حاجی رستم بادکوبه‌ای به شهر شدند. کاروان غارت شد و اموال آن را به آتش کشیدند (رایینو، ۱۳۶۸: ۱۳).

۲. در تولم: مباشران و پیشکاران اربابان که قصد مذاکره و قانع کردن رعایا برای پرداخت مال‌الاجاره و بهره مالکانه داشتند، با خشم رعایا روبه‌رو شدند. مردم به آنان حمله کرده و آنها را با چوب و چماق به شدت کتک زدند.

۳. در کرگانرود: رعایا خانه‌های ارفع‌السلطنه را غارت کرده و به آتش کشیدند.

۴. در انزلی: گروهی از رعایا به انجمن شهر رفتند و در آنجا تحصن کردند. خواسته اصلی آنان آزادی میرزا رحیم شیشه‌بر بود (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۱۰).

حاکمان محلی نیز با اقدامات سرکوب‌گرانه شرایط را بحرانی‌تر کردند. شجاع‌نظام، حاکم شفت، سیاهمزیگی و اطراف آن، به‌طور خشونت‌آمیز با مردم رفتار می‌کرد؛ در نتیجه، مردم منطقه علیه وی شوریدند و اعتراض‌های گسترده‌ای شکل گرفت. رعایا همچنین عریضه‌هایی را از طریق تلگرافخانه رشت برای حکومت ارسال کرده و خواهان تغییر سیاست‌های حاکم شدند (روزنامه خیرالکلام، شماره ۱۰، سال ۱۳۲۵).

شورش‌های دهقانی گیلان به اعتصابات گسترده ماهیگیران و کارگران صنایع شیلات و زیرمجموعه‌های کمپانی لیانازوف گسترش یافت. ماهیگیران و کارگران به دلیل دستمزدهای بسیار پایین و شرایط سخت کاری اعتراض کردند. صنایع وابسته به کمپانی لیانازوف شامل دستکش‌دوزی، چکمه‌دوزی، کشتی‌سازی و آهنگری بود که دستمزد کارگران آنها در حداقل ممکن تعیین شده بود. طی یک اعتصاب بزرگ، حدود سه هزار نفر از کارگران این صنایع خواهان پایان قراردادهای ناعادلانه شدند و تلگرافخانه شهر را اشغال کردند. ماهیگیران نیز با اعتراض به پایین‌بودن دستمزدها و قوانین محدودکننده صید ماهی، شورش گسترده‌ای را علیه کمپانی آغاز کردند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۹۰۱).

کارگران و ماهیگیران طی شورش‌ها توانستند برخی از مراکز حساس را کنترل کنند: گمرک شهر: کارگران اعتصابی، گمرک شهر را محاصره کرده و از میان خود نفراتی را به عنوان نماینده برای

بررسی حساب دفاتر انتخاب کردند. این گروه وظیفه بررسی میزان دقیق صادرات ماهی و افشای زدوبندهای بین مدیران ارمنی گمرک و مسئولان کمپانی لیانازوف را برعهده گرفتند (همان). به گزارش روزنامه مجلس، در پی شورش‌های ماهیگیران علیه کمپانی لیانازوف، بخش‌هایی از ساختمان تلگرافخانه آسیب دید، اما ماهیگیران اعتصابی به‌رغم این آسیب‌ها، دست از اعتراض برنداشتند (روزنامه مجلس، ۴: ۱۲۸۵). ماهیگیران طی تلگرافی به مجلس شورای ملی خواستار پایان دادن به امتیاز انحصاری شیلات لیانازوف و واگذاری آن به صیادان محلی شدند. در رشت نیز مردم به نشانه همدردی با انزلی، خرید کالاهای روسی را تحریم کردند، به گونه‌ای که پس از این رویداد، ورود کالاهای روسی به گیلان برای بازرگانان روسی دیگر صرفه اقتصادی نداشت.

یکی از دلایل مهم تداوم اعتراض‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روستائیان، ماهیگیران و نوغانداران گیلانی، شرایط ناعادلانه اقتصادی و اجتماعی کشور بود. زارعان گیلانی امیدوار بودند که پس از انقلاب مشروطه و استقرار حکومت قانون، بسیاری از رسوم کهن و ناعادلانه برچیده شود. اما استقرار مشروطیت نه تنها ساختارها و شرایط را تغییر نداد، بلکه با مصوبات جدید، جنبه قانونی به این نابرابری‌ها بخشید. نفوذ مالکان، اعیان و اشراف گیلانی در ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری‌های دولت‌های عصر مشروطه موجب شد لوایح و قوانین مجلس به نفع آنان تنظیم شود. از این‌رو، در عصر مشروطه، گیلان همواره کانون مبارزات روستائیان و رعایای تحت فشار بوده است. بخشی از مالکان گیلانی برای حفظ منافع خود، به حمایت از سیاست‌های روسیه در گیلان روی آوردند. به‌عنوان نمونه، در جریان شورش مردم آستارا، نیروهای روسیه به بهانه سرکوب شورش، پنجاه نفر از مردم روستای ویرمونی را به قتل رسانده و خانه‌های روستائیان را غارت کردند. این اقدام روس‌ها زمینه استقرار دوباره حاکمان وابسته به خود را فراهم نمود (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲۰). به عقیده آدمیت، ارتباط منافع طبقات متنفذ داخلی با سیاست‌های روسیه در شمال ایران موجب شد که هیچ‌گونه اقدامی از سوی دولت‌های بعد از مشروطه برای محدود کردن دولت‌های بیگانه و کاهش نفوذ آنان صورت نگیرد (آدمیت، ۱۳۵۴: ۹۰۱). این استمرار نفوذ باعث شد تا مردم خود تصمیم به کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع حیاتی کشور بگیرند. جنبش صیادان و قایقرانان انزلی نیز در این راستا شکل گرفت (همان). بخشی از مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم گیلان در عصر مشروطه نیز با هدف محدود کردن نفوذ اتباع دولت روسیه و پایان دادن به دست‌اندازی‌های آنان بر منابع اقتصادی منطقه صورت گرفت.

گیلان، همانند سایر ایالات ایران در دوره قاجار، تحت حاکمیت استبدادی اداره می‌شد. اما این مسئله به معنی سکوت سیاسی مردم در برابر حاکمان محلی نبود. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که مردم گیلان بارها در برابر ظلم و فساد مقامات قاجاری اعتراض کرده‌اند. به عنوان نمونه، در سال ۱۲۷۱ ق، در واکنش به رفتار ظالمانه عیسی‌خان، حاکم گیلان، مردم رشت با ارسال عریضه‌های متعدد به دربار قاجار، شکایت نموده و علیه وی شوریدند. این اعتراض‌ها منجر به عزل عیسی‌خان توسط ناصرالدین‌شاه شد. اما فساد اداری قاجار سبب بازگشت وی با ارسال هدایا برای دربار گردید. انتشار خبر بازگشت مجدد عیسی‌خان باعث شورش دوباره مردم گیلان شد. این بار، مردم وی و پسرش را به طور کامل از گیلان بیرون کردند (افشاریان، ۱۳۹۶: ۳۹). این اعتراضات نشان‌دهنده پیشینه سیاسی و اجتماعی گیلانیان است که بعداً با ورود به عصر مشروطه، در شکل جدید دنبال شد.

در سال‌های نخست استقرار مجلس شورای ملی، جنبش روستاییان گیلان که متشکل از حرکت‌های انقلابی زارعان، رعایا، نوغانداران و ماهیگیران بود، در مناطق وسیعی از رشت، انزلی، تالش و لاهیجان گسترش یافت. این جنبش‌ها با هدف دستیابی به آزادی و رهایی از ستم اربابان، مالکان و حاکمان محلی شکل گرفتند.

این حرکت‌های اجتماعی و سیاسی صرفاً اقدامات پراکنده نبودند، بلکه در پشت این جریان‌ها، انجمن‌های سیاسی محلی فعال بودند. انجمن‌هایی نظیر انجمن بلوکات، عباسی، ستار و ابوالفضلی نقش مهمی در بسیج توده‌های روستایی برای مقابله با اربابان ایفا کردند (پناهی، ۱۳۹۸: ۱۸).

شورش‌های روستائیان گیلانی در مقایسه با سایر مناطق ایران از گستردگی و انسجام بیشتری برخوردار بود. بخشی از پیشه‌وران رادیکال گیلانی برای تقابل با مالکان و افراد سودجو، شبکه‌هایی نظیر انجمن‌های مخفی ایجاد کردند که شمار زیادی از روستائیان در آن‌ها عضویت داشتند (یوسفدهی، ۱۳۸۷: ۲۳). هدف این جریان‌های مخفی، دستگیری حامیان شاه، امتناع از پرداخت مالیات به دولت و مالکان، و تصرف اراضی زمین‌داران بزرگ بود. انجمن‌های محلی در بسیاری از روستاهای گیلان تشکیل شدند و وظیفه داشتند نگرانی‌ها و مشکلات روستاییان را به انجمن ولایتی رشت منتقل کنند. این انجمن‌ها تا آنجا پیش رفتند که حتی در برابر انجمن رشت و مجلس شورای ملی نیز ایستادگی کردند.

مشکلات متعدد از جمله رفتار نامناسب مباشران و مالکان با رعایا، ناامنی گسترده در مناطق روستایی به دلیل وجود راهزنان، تجاوز به زنان، فقر و فلاکت ناشی از بیگاری، و نظام تیول که عرصه زندگی را بر زارعان تنگ کرده بود، موجب شد تا این مسائل از طریق انجمن‌های محلی به اطلاع انجمن ایالتی رشت و وکلای مجلس شورای ملی رسانده شود. نزدیکی فیزیکی روستاهای گیلان و پیوندهای محلی میان آن‌ها، باعث انتقال سریع اخبار و هیجانات مبارزاتی از یک روستا به روستای دیگر می‌شد و این موضوع شرایطی فراهم کرد تا شکل و نحوه مقاومت روستائیان در مقابل مالکان، مشابه و هماهنگ باشد.

روستائیان با سه محور اصلی که نظام اربابی بر آن استوار بود، مخالفت می‌کردند: ۱- زورگویی مباشران. ۲- تعهدات ناعادلانه اربابان. ۳- بیگاری. آنان خواستار آن بودند که امور روستائیان تابع قانون قرار گیرد و رفتارهای ناعادلانه اربابان پایان یابد (آفاری، ۱۳۷۹: ۱۹۵).

یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های روستائیان، اصلاح نظام زراعی بود. در شکواییه‌هایی که از طرف انجمن‌ها به انجمن ایالتی رشت و نمایندگان مجلس شورای ملی ارسال می‌شد، این مسئله بارها و به شکل‌های مختلف مطرح شده است. هرچند اصلاحات ارضی که در دهه ۴۰ خورشیدی توسط حکومت پهلوی انجام شد تفاوت‌های بنیادینی با خواسته‌های رعایای گیلانی داشت، اما همین خواسته‌ها در دوران مشروطه بر کم شدن بار مالیاتی و تخفیف شرایط طاقت‌فرسای زندگی که توسط اربابان بر آنان تحمیل می‌شد، تاکید داشت و روستائیان به این تغییرات اولیه راضی بودند.

در آغاز انقلاب مشروطه، هر یک از گروه‌های اجتماعی برداشت و درک خود را از مشروطه داشتند. روستائیان بر این باور بودند که با ایجاد نظام مشروطیت و تأسیس پارلمان، بسیاری از قیود مالکان کنونی برچیده می‌شود. به همین دلیل، با وجود شرایط دشوار معیشتی، در انقلاب مشروطه مشارکتی فعال داشتند و به‌عنوان پیاده‌نظام جنبش عمل کردند. روستائیان در آغاز حکومت مشروطه امید داشتند که:

۱. حکومت مشروطه از آنان در برابر حکومت‌های محلی مستبد دفاع کند.

۲. دولت و مجلس از حمایت آنان در مقابل مالکان پشتیبانی کند.

اما مجلس نه تنها در برابر شورش‌ها و خواسته‌های رعایا پاسخی قانع‌کننده نداد، بلکه موضوعات مطرح‌شده از سوی رعایا را تنها به‌صورت جزئی در جلسات خود بررسی کرد.

در روزنامه انجمن، موضوعاتی مانند:

- تجدیدنظر یا تخفیف در تعهداتی که مالکان بر رعایا تحمیل می‌کردند
- رسوم ناعادلانه نظیر نیاز به اجازه ارباب برای ازدواج دختران و دریافت مبلغی به‌عنوان «اجازه»

- اجبار به پرداخت کالاهایی تحت عنوان «فدیه» یا «هدیه» به اربابان
- ممنوعیت خرید و فروش محصولات نوغانداران (که آنها را مجبور به فروش محصولات خود به نمایندگان اربابان می‌کردند)

از جمله مسائل مورد بحث بودند. این موضوعات در شکوائیه‌های انجمن‌ها برای لغو یا اصلاح مورد بررسی قرار می‌گرفتند (یزدانی، ۱۳۷۱: ۱۹).

فشارها و نابرابری‌ها علیه روستائیان گسترده بود و همین عوامل، بستری برای شکل‌گیری خیزش‌های دهقانی در گیلان فراهم آورد. انجمن‌های محلی که در آن زمان شکل می‌گرفتند، هدف خود را چنین بیان می‌کردند:

- دفاع از منافع مردم در برابر زورگویی‌های اربابان و دولتمردان
- بهبود وضعیت معیشتی روستائیان

این انجمن‌ها، که ریشه در خواسته‌های واقعی مردم داشتند، تلاش کردند فضایی برای بازنمایی نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی روستائیان گیلانی ایجاد کنند و علاوه بر آن، به مبارزات مردمی شکل و سازمان بدهند (یزدانی، همان).

با وجود اینکه مجلس روستائیان را مجبور به تمکین در برابر اربابان می‌کرد، شکوائیه‌های مردم گیلان، به‌ویژه روستائیان، به مجلس بی‌تأثیر نبود و این مسئله موجب شد تا مجلس اقداماتی جهت حمایت از روستائیان انجام دهد. در سال ۱۲۸۸ خورشیدی سلسله جلساتی در مورد اصلاح عواید اراضی و کاهش مالیات‌ها برگزار شد. البته زارعان به دنبال الغای تیول و پایان دادن به سلطه مالکان بر روستاها و اراضی‌شان بودند. در مجلس، برخی از نمایندگان رادیکال از این خواسته‌های روستائیان حمایت می‌کردند، اما ترکیب مجلس در کنترل محافظه‌کاران و نمایندگان زمین‌داران بزرگ بود (پناهی، ۱۳۹۸: ۴۰-۴۳).

با وجود اعتراض‌های شدیدی که در گیلان و برخی از نقاط دیگر ایران، از جمله آذربایجان، فارس و مازندران، نیز جریان داشت، و با اینکه مجلس نیز گام‌هایی کوچک در ایجاد شرایطی

مطلوب‌تر برای روستائیان برداشت، دولت همچنان در مسیر حمایت از خواسته‌های زمین‌داران گام برمی‌داشت (آفاری، همان: ۲۲۳-۲۲۴).

روستائیان، زارعان و نوغانداران گیلانی بر این تصور بودند که شاید مجلس بتواند از آنان در برابر خواسته‌های نامشروع اربابان دفاع کند. آنها امید داشتند که از یک سو صاحب نسق شده و از سوی دیگر شرایط زندگی و معیشتی‌شان بهبود یابد. اما در عمل، نه تنها تغییری در زندگی آنان ایجاد نشد، بلکه مجلس و دولت‌های پس از مشروطه قوانین و مقرراتی وضع کردند که فاصله میان اربابان و رعایا را بیش از پیش افزایش داده و حتی موقعیت اربابان را از نظر قانونی مستحکم‌تر کرد. پس از سرکوب اعتراضات گسترده و تسلط دولت بر امور، در صورت اعتراض روستائیان مجازات‌هایی نظیر به چوب بستن زارعان در میادین شهر و روستا، اخذ حق مالکانه، گروگان گرفتن خانواده رعایا، اخراج از زمین کشاورزی بدون هیچ دلیل قانونی و براساس تمایل خان، از جمله رفتارهایی بود که در گیلان به‌طور فراوان توسط اربابان اعمال شد و از نظر قانونی نیز کسی پاسخگو نبود (اشرف، ۱۳۵۲: ۷).

موضوع علل تداوم شورش‌های دهقانی در گیلان ریشه در همین نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه گیلانی داشت. زیرا اربابان هیچ‌گاه حاضر به نرمش و اعطای امتیازات اقتصادی و اجتماعی به روستائیان نبودند و بر تمامی جنبه‌های زندگی آن‌ها تسلط داشتند. متأسفانه چشم‌پوشی نهادهای ناظر قانونی بر کنش‌های مالکان و اربابان نسبت به رعایا و همدستی مالکان با حکمرانان و نمایندگان دولت مستقر در گیلان، شرایط زندگی رعایا را سیاه و تیره کرده بود. ناتوانی ساختار حکومتی مشروطه در ایجاد تغییرات در نظام ارباب و رعیتی موجب شد که به‌صورت هم‌زمان در روستاهای ایران جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در مخالفت با این نظام و برای رهایی روستاها از قیدوبند اربابان و اجحافات آن‌ها آغاز شود. از این پس موضوع زمین، که همواره در انحصار مالکان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین ساختارهای اجتماعی جامعه ایرانی بود، به شاخص اصلی مورد مناقشه میان مالک، دهقان و دولت‌های پس از مشروطه و مجلس تبدیل شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبارزات دهقانی در گیلان دوره قاجار، به‌ویژه در دوران نهضت مشروطیت، نسبت به سایر ایالات ایران گسترده‌تر و در مواردی خشونت‌بارتر بوده است. یکی از

دلایل این گسترده‌گی مبارزات اجتماعی و دهقانی در گیلان، وابستگی به نظام زمینداری و اقتصاد پُرمَنفعت این منطقه بود.

سرزمین گیلان در عصر قاجار برخلاف بسیاری از مناطق ایران، اقتصادی تک‌محصولی نداشت. از دوره صفویه به دلیل تولید ابریشم مرغوب، اقتصاد گیلان شهرت جهانی یافت. پس از شکست‌های سنگین ایران از روسیه، از نیمه‌های سده نوزدهم میلادی، روابط گسترده‌ای میان ایران و بنادر روسیه و سپس تجار اروپایی آغاز شد. تجارت پُرمَنفعت محصولات مختلفی نظیر شیلات، ابریشم، برنج، توتون و تنباکو، کنف، محصولات دامی و سایر منابع اقتصادی گیلان به روسیه و سایر کشورهای اروپایی انجام می‌گرفت و همین امر موجب رونق قابل توجه بخش تجارت در حوزه اقتصاد گیلان شد. با وجود این، بخش اعظم سود سرشار ناشی از تجارت و اقتصاد منطقه در اختیار تولیدکنندگان واقعی، شامل زارعان، نوغانداران و کشاورزان قرار نمی‌گرفت. همین مسئله سبب تحمیل شرایط محنت‌بار بر زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان گیلانی شد. بنابراین، با آغاز نهضت مشروطیت، روستائیان گمان می‌کردند که مشروطه به دنبال لغو قوانین ناعادلانه مالکانه و پایان دادن به بهره‌کشی از روستائیان است. از این‌رو، مشارکتی فعال در انقلاب مشروطه داشته و به پیروزی آن کمک کردند. اما پس از فروکش کردن التهاب‌های انقلابی، روستائیان به این واقعیت تلخ دست یافتند که مجلس و دولت تنها درصدد تثبیت اوضاع به نفع مالکان و اربابان هستند. رعایای گیلانی برای دستیابی به اهداف خود، شورش‌های گسترده‌ای علیه سلطه نظام ارباب-رعیتی و قوانین مجلس در گیلان آغاز نمودند. در جریان این خیزش‌ها، چهره‌های انقلابی رادیکال گیلانی و انجمن‌های محلی، به‌ویژه انجمن عباسی و روزنامه‌های رادیکالی نظیر خیرالکلام و نسیم شمال، از روستائیان حمایت کردند. روستائیان در موارد متعددی اربابان را کتک زده و از روستاها بیرون راندند. برخی مالکان نیز مجبور شدند برای حفظ جان خود از مناطق اربابی خود فرار کنند.

با گسترش دامنه شورش‌ها و درخواست‌های روستائیان برای تغییر وضعیت موجود، مجلس، ضمن صدور دستورهای برای پایان دادن به شورش‌ها، گام‌هایی کوچک در جهت تأمین بخشی از خواسته‌های روستائیان برداشت. با این حال، سلطه محافظه‌کاران بر مجلس و دولت موجب شد تا این نهادها مهر تأییدی بر نظام ارباب-رعیتی زده و ضمن سرکوب شورش‌ها، اعتراض‌های روستائیان علیه مالکان را ممنوع کنند.

واکنش نمایندگان مجلس به شکوائیه‌های رعایای گیلانی نشان می‌دهد که برخی از وکلای مجلس تمایل درونی و احساسی به کاهش فشار بر زارعان داشتند، اما براساس ساختار حکومت مشروطه، محدودیت اختیارات قانون اساسی و ترکیب محافظه‌کارانه اعضا و نمایندگان مجلس در آن دوران، توانایی برهم زدن وضعیت موجود را نداشتند. حکومت مشروطه در آن دوران، جریانی انقلابی و رادیکال نبود و نمی‌توانست تغییرات بنیادینی در نظام زمینداری و اجتماعی ایران ایجاد کند. بنابراین، انفعال مجلس و حکومت مشروطه در برابر مشکلات روستائیان، موجب شکاف عمیق میان حاکمیت و مردم شد. به همین دلیل، بسیاری از روستائیان که به مجلس دلخوش کرده بودند، از آن ناامید و دلسرد شدند.

رویکرد دلسردکننده مجلس و دولت مشروطه در برابر روستائیان باعث شد تا بستر نارضایتی و ناامیدی در میان رعایای گیلانی ادامه یابد. با شروع جنبش جنگل، برخی از زارعان به این جریان اجتماعی پیوستند. به‌طور کلی، نارضایتی عمیق اجتماعی روستائیان گیلان از نظام ارباب-رعیتی تا دوران اصلاحات ارضی ادامه داشت. این وضعیت به یکی از عوامل اصلی اعتراضات و شورش‌های روستائیان گیلانی علیه حکومت تبدیل شد.

منابع

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۸)، *فکر دموکراسی/خواهی در نهضت مشروطه ایران*، تهران، انتشارات فرزانه روز.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران، نشر بیستون.
- اشرف، احمد (۱۳۵۲)، *مشخصات اقتصادی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران*، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آموزش برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- ——— (۱۳۵۹)، *موانع رشد نظام سرمایه‌داری در ایران*، تهران، انتشارات زمینه.
- افشاریان، نادر (۱۳۹۶)، *نگاهی به گیلان در دوره قاجار*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- پرتو، افشین (۱۳۹۴)، *مشروطه و گیلان*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- پناهی، عباس (۱۳۹۸)، *اسناد و عریضه‌های دوره‌های دوم تا پنجم مردم گیلان به مجلس شورای ملی*، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.

- ————— (۱۴۰۰)، *مآخذشناسی تحلیلی/انتقادی مشروطه گیلان*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- پناهی، عباس، حسینی مقدم؛ سید حسین و ره، نادیا (۱۴۰۰)، *تولید و تجارت نوغان گیلان*، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- رایینو، ه. ل (۱۳۶۸)، *مشروطه گیلان*، به کوشش محمد روشن، رشت، انتشارات طاعتی.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۲)، *واقعات/تفاهیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، جلد سوم.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان*، رشت، نشر گیلکان.
- ظهیرالدوله، علی بن محمد بن ناصر (۱۳۶۷)، *خاطرات و اسناد ظهیرالدوله*، به کوشش ایرج افشار، تهران، زرین.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱)، *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کتاب آبی (گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان درباره انقلاب مشروطه ایران) (۱۳۶۳)، به کوشش احمد بشیری، جلد دوم، تهران، نشر نور.
- کتاب نارنجی (گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه درباره انقلاب مشروطه ایران) (۱۳۶۷)، به کوشش احمد بشیری، جلد چهارم، تهران، نشر نور.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۹۰)، *گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی*، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نیکیتین، بازیل (۱۳۹۵)، *ایرانی که من شناختم*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران، دنیای کتاب.
- یزدانی، سهراب (۱۴۰۰)، *روستائیان و مشروطیت ایران*، تهران، انتشارات ماهی.
- یوسفدهی، هومن (۱۳۸۷)، *انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- ————— (۱۳۹۰)، *گیلان در انقلاب مشروطه*، رشت، فرهنگ ایلیا.

مقالات

- اسماعیل‌زاده، اعظم و صوفی، علیرضا (۱۳۹۵)، «جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، شماره ۹، پاییز و زمستان.

- پورمحمدی املشی، نصراله (۱۳۸۶)، «نگرشی جامعه‌شناختی به جنبش‌های روستایی گیلان در عصر مشروطه»، فصلنامه تاریخ محلات، شماره ۷.
- رحمانی، سامان و خالقی دامغانی، احمد (۱۴۰۲)، «معیشت دهقانی در گیلان از ۱۲۵۰ تا ۱۲۸۵ شمسی»، فصلنامه تاریخ ایران، دوره ۸۶، شماره ۲، پیاپی ۳۵.
- رفاهی، رضا، جواد هروی و غلامحسین زرگری‌نژاد (۱۴۰۰)، «نقش ارامنه در جنبش دهقانی در گیلان عصر قاجار با تأکید بر اندیشه‌های مشروطه‌خواهی»، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۶، شماره ۶۲.
- شورمیچ، محمد (۱۳۹۸)، «نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان (بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ ه.ق.)»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۵، پاییز و زمستان.
- علیپور، مجید (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی جنبش دهقانی آذربایجان و گیلان در دوره مشروطیت»، فصلنامه کارنامه تاریخ، شماره ۶، پاییز و زمستان.
- مهرانی، حمید (۱۳۷۴)، «اصلاحات ارضی در گیلان»، در کتاب گیلان به اهتمام ابراهیم اصلاح‌عربانی، جلد دوم، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
- یزدانی، سهراب (۱۳۷۱)، «مسأله ارضی و دهقان در انقلاب مشروطیت ایران»، تهران، نگاه نو، شماره ۸.

روزنامه‌ها

- حبل‌المتین، شماره ۱۷۷، ۱۲۸۶.
- روزنامه مجلس، شماره ۴، ۱۲۸۵.
- روزنامه خیرالکلام، شماره ۱۰، سال ۱۳۲۵.
- نسیم شمال، شماره ۶۳، ۱۳۲۸ ه.ق.